

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



خوردشاه و مهری

(قصه‌ای از سمک عیار)

خلاصه و بازنویسی: ایرج شهرامی پور

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۵

سرشناسه: شهرامی پور، ایرج، ۱۳۵۱-، اقتباس کننده
عنوان و نام پدیدآور: خورشید شاه و مه پری: (قصه ای از سمک عیار) /
خلاصه و بازنویسی ایرج شهرامی پور.
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۶۰ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۰۵۰-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: ارجانی، فرامرز بن خداداد، قرن ۶ ق. سمک عیار -- اقتباس ها
موضوع: داستان های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: Persian fiction -- 20th century
شناسه افزوده: ارجانی، فرامرز بن خداداد، قرن ۶ ق. سمک عیار
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ خ ۹ / ۳۵۶ / PIR۸۳۴۹
رده بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۹۵۵۱۶

نام کتاب: خورشیدشاه و مه پری (قصه ای از سمک عیار)
مؤلف: ایرج شهرامی پور
ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵
چاپ: مدیران
قیمت: ۴۸۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۰۵۰-۴
تلفن های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران



فهرست مطالب



صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۹	معرفی کتاب سمک عیار
۱۹	داستان خورشیدشاه و مه پری
۵۹	آثار دیگر نویسنده
۶۰	منابع و مآخذ

مقدمه

قصه‌گویی از دیرباز در میان تمام جوامع بشری رواج داشته و با گذشت هزاران سال هنوز جایگاه خود را در میان مردم حفظ کرده است. به جرأت می‌توان گفت قدیمی‌ترین و نخستین گردهمایی‌های ادبی مردم در گذشته‌های بسیار دور مربوط به نقالی و قصه‌گویی بوده است.

قصه‌ها سینه به سینه از گذشتگان به آیندگان منتقل شده و بعدها با اختراع خط و کاغذ تعدادی از این قصه‌ها توسط علاقه‌مندان به ادبیات داستانی مکتوب شده تا بقای بیشتری پیدا کند.

داستان سمک عیار به گفته‌ی اکثر پژوهشگران نخستین رمان بلند ایرانی است که تا کنون باقی مانده است. این داستان در پنج جلد و ۲۴۰۸ صفحه نوشته شده است. شخصیت‌های اصلی آن "خورشیدشاه، سمک عیار و فرخ روز هستند. چاشنی اصلی و نیروی محرک این داستان عشق خورشیدشاه به مه پری است. همین عشق و اقدام شاهزاده برای رسیدن به مه پری باعث می‌شود که اتفاقات و حوادث بسیار جالب و جذابی رخ دهد.

خود داستان بسیار طولانی است و در لابه لای حوادث ماجراهای عشقی

و جنگی متعددی وجود دارد که داستان را از یکنواختی خارج کرده و گاه به سوی احساسات و عواطف و گاه به سوی افسانه و نبرد پیش می‌برد.

کتاب پیش رو که با نام «خورشیدشاه و مه پری» در حال مطالعه‌ی آن هستید خلاصه‌ی قسمتی از جلد اول کتاب سمک عیار است که حوادث مربوط به خورشیدشاه و مه پری را در بر گرفته. این داستان اگر چه به ازدواج آن دو ختم می‌شود اما ماجراهای شاهزاده و کشورگشایی‌های وی همچنان ادامه دارد.

از آن جایی که سمک عیار نخستین رمان بلند ایرانی است لازم دیدم تا علاقه‌مندان با این داستان بیشتر آشنا شوند. برای جذابیت بیشتر داستان در لابه‌لای حوادث و گفت و گوهای اشخاص، اشعاری با توجه به موضوع مورد بحث نیز سروده‌ام.

نشر کتاب سمک عیار ساده و روان است اما چون تعدادی از کلمات و اصطلاحات قرون قبل در حال حاضر در میان مردم رواج ندارند و یا تغییر معنا پیدا کرده‌اند برای درک بهتر داستان، معانی کلمات مشکل در پاورقی ذکر شده که امیدوارم مفید باشد.

برای آشنایی بیشتر با نویسنده‌ی سمک عیار، سبک کتاب و ... مقدمه‌ای در معرفی کتاب وجود دارد که خواندش خالی از لطف نیست.

ایرج شهرامی پور

تیرماه ۹۵

معرفی کتاب سمک عیار

کتاب سمک عیار یکی از آثار گران سنگ زبان فارسی است که «داستان درد و فراق و حسرت و اشتیاق^۱» را به زیباترین صورت بیان می کند. «حکایتی [است] از غرایب و عجایب منادرات عالم [که در آن] عشق و وصل و هجر^۲» با قلم شیوای نویسنده به خواهش «جماعتی از دوستان موافق^۳» نوشته شده است.

همان گونه که پژوهشگران و محققان نیز نوشته اند، اطلاعات لازم در مورد این اثر و نویسنده آن را باید از خود کتاب به دست آورد. نام مؤلف در چند جای کتاب مشاهده می شود. از جمله جلد یکم صفحه یک و جلد سوم صفحه صد و هشتاد و سه. در جلد سوم نام نویسنده به طور کامل «فرامرزین خداداد بن عبدالله کاتب ارجانی» ذکر شده است.

«از نام های خاص ترکی که در متن کتاب آمده است مانند سمارق و سنجر

۱- فرامرزین خدادادبن عبدالله کاتب ارجانی، سمک عیار، تصحیح دکتر پرویز ناتل خانلری، چاپ هفتم، انتشارات آگاه، تهران، بهار ۱۳۶۹، جلد ۳، صفحه ۱۸۵

۲- همان، جلد ۴ صفحه ۳

۳- همان، جلد ۴ صفحه ۴

و قیماز و قاورشاه و قزل ملک و ارغون و قیارق و قاورد و گورخان گمان می توان برد که تاریخ تدوین قصه پیش از اواخر دوره سلجوقی نیست^۱ در جلد چهارم^۲ سال تألیف کتاب، روز سه شنبه چهارم جمادی الاول سال پانصد و هشتاد و پنج بیان شده، اما گروهی از محققان عقیده دارند که این صفحه بعدها به کتاب اضافه شده و نمی توان بر اساس آن حکم کرد. بنابراین باید گفت: تألیف کتاب ظاهراً «در اواخر قرن ششم هجری قمری صورت گرفته است»^۳.

از شواهد برجای مانده می توان دانست که داستانی که هم اکنون در دسترس علاقه مندان است، از یک نسخه به دست نیامده است؛ زیرا جلد دوم کتاب «در زمان سلطان مرادخان بن سلطان سلیم خان [عثمانی] که از سال ۹۸۲ تا ۱۰۰۳ هجری سلطنت کرده از ترکی به فارسی ترجمه شده است»^۴.

اگرچه حوادث داستان در مکانی خارج از ایران اتفاق می افتد ولی از متن کتاب کاملاً مشخص است که این داستان از قصه های کهن و عامیانه ی ایرانیان است که مانند داستان های دیگر، در آن زمان سینه به سینه حفظ گشته و در جاهای مختلف با روایت راویان شیرین سخن و زبر دست بیان می شده است. همان گونه که این داستان نیز با روایت «صدقه بن ابی القاسم»^۵ حکایت شده است.

۱- همان، جلد ۳ صفحه ۴

۲- همان، جلد ۴ صفحه ۳

۳- غلامحسین یوسفی، دیداری با اهل قلم، انتشارات علمی، چاپ ششم، ۱۳۷۶، جلد ۱، صفحه ۲۲۱

۴- فرامرز بن خدادادبن عبدالله، همان، جلد ۳، صفحه ۱۷۹

۵- فرامرز بن خدادادبن عبدالله، همان، جلد ۴، صفحه ۳

وجود تعدادی از اسامی پادشاهان و پهلوانان ایرانی هم چون کیومرث، تهمورث دیوبند، جمشید، فریدون، کیکاووس، اردشیر، رستم، زال، سام، نریمان، و... خود گواه این نکته است.

در این مورد که چرا حوادث داستان در جاهایی غیر از ایران اتفاق افتاده است، اطلاعات زیادی در دست نیست. برای روشن شدن این مطلب در مرحله اول، باید زمان تألیف دقیق کتاب را مشخص کرد و در مرحله بعدی منطقه نگارش اثر را پیدا نمود، تا بتوان با توجه به وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن زمان و آن منطقه در مورد این مسأله قضاوت کرد.

آن چه با توجه به مطالب کتاب به ذهن خطور می کند، این است که شاید ترس از زمامداران و سلاطین آن عهد باعث شده است تا نویسنده در انتخاب اسامی و مکان ها، به مناطق و افرادی غیر ایرانی روی آورد.

ماجرای اصلی کتاب داستان شاهزاده ای جوانمرد از شهر حلب به نام خورشید شاه است که برخلاف میل باطنی اش که از عشق و عاشقی دوری می جست و بر عاشقان می خندید، به عشق دختر فغفور شاه، پادشاه ماچین گرفتار می شود و حوادثی شیرین و جذاب به وجود می آورد.

شاهزاده برای به دست آوردن مه پری، به سوی چین حرکت می کند. در این میان مردی به نام "سمک عیار" به خورشید شاه می پیوندد و از آن پس بار اصلی حوادث را به دوش می کشد. او که مردی عیار است با هم دستی و همراهی افرادی چون شغال پیل زور، روزافزون، روح افزای و چند پهلوان و عیار دیگر در بیشتر حوادث به کمک خورشید شاه می آید.

شخصیت دیگری که نقش مهمی در داستان بر عهده دارد، فرّخ روز، پسر خورشید شاه است، که او نیز همانند پدر به عشق دختری مبتلا می‌گردد و به سرزمین‌های زیادی لشکر کشی می‌کند و در این میان قسمت قابل توجهی از کتاب را به خود اختصاص داده است. در بخش‌هایی که فرّخ روز حضور دارد داستان تا حدودی به اسطوره نزدیک می‌شود و ما را به یاد اثر حماسی بزرگ ایرانیان، شاهنامه فردوسی می‌اندازد، تا جایی که می‌توان گفت سمک عیار همان مسیرهایی را طی کرده است که روایات و مواد اساطیری و حماسی شاهنامه طی نموده است هم چون: غلو و اغراق که عنصر اصلی حماسه به شمار می‌رود. وجود جادو و جادوگران، وجود فرّه ایزدی منتهی به نام اسم اعظم، وجود موجودات و پدیده‌های فراطبیعی و نقش آفرینی آن‌ها در داستان، مثل گیاهان شفا بخش که یادآور نوشداروست و سیمرغ که به کمک قهرمان داستان می‌شتابد؛ وجود سرزمین‌های وهم‌انگیز شبیه به آنچه در شاهنامه هست؛ وجود شخصیت‌هایی با خلیقات اشخاص شاهنامه؛ خورشید شاه شبیه سیاوش و فرخ روز شبیه فرود کاملاً مشهود است. رفتن پهلوان با قیافه و لباس مبدل که با این تدبیر بارها در قلب لشکر دشمن پیش می‌رود و به ناشناس هنرهای بزرگ انجام می‌دهد که باز یادآور رستم در داستان بیژن و منیژه است و ..

نکته بسیار باریک و ریز داستان نام‌های پهلوانان و یا شخصیت‌های داستان است. در این داستان اشخاص به نوعی نامگذاری شده‌اند که هر نام با روحیات و شخصیت‌های ظاهری اشخاص مطابقت دارد. به نوعی که خواننده داستان می‌تواند با دیدن یکی از اسامی جتّه، شکل و شمایل و حتّی روحیات و اخلاق آن شخص را در ذهن مجسّم کند مانند: آسمان نگر، درازپای، آهن قبای، سیاه مردم خوار، سرخ کلاه، سرخ کافر، پهلوان اکبر کوچک، خردک ملاح،

گاوسپاه کوه تن و ...

اساسی ترین مطلبی که در داستان جلب توجه می کند اصطلاح عیار و عیاران است. «عیاران یا جوان مردان یا فتیان، طبقه ای از طبقات اجتماعی ایران را تشکیل می دادند، متشکل از مردم جلد و هوشیار از طبقه ی عوام الناس که رسوم و آداب و تشکیلات خاص داشته اند و در هنگامه ها و جنگ ها خودنمایی می کرده اند. این گروه بیشتر دسته هایی تشکیل می داده اند و گاهی به یاری امرا با دسته های مخالف آنان به نبرد برمی خاسته اند و در زمره لشکریان ایشان می جنگیده اند...

عیاران جوانمردی پیشه داشتند و به صفات عالی راز نگهداری و دستگیری بیچارگان و یاری در ماندگان و امانت داری و وفای به عهد، آراسته و در چالاکی و حيله نام بردار بودند^۱. این گروه با کارهایی که انجام می دادند چنان در دل مردم جا پیدا می کردند که نادیده به شادی آنان و یادشان شراب می نوشیدند.

خصلت بارز عیاران یعنی جوانمردی، در پادشاهان و امرا نیز تأثیر می گذارد؛ سلاطین و حاکمانی که با این قشر از مردم اجتماع همنشین بودند، وقتی به شهری یا کشوری حمله می کنند و آنجا را فتح می نمایند، ره آورد لشکر کشی شان عدالت و دادگستری است.

نقش کلیدی زنان را نیز در لا به لای حوادث نباید از نظر دور داشت. در جامعه ای که زنان را با دید عاجزه و ضعیفه می نگرند که باید در خانه مستور باشد و فقط به خانه داری بپردازد، ما شاهدیم که در همین جامعه زنان همپا و

۱- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ذیل عیار.

هم دوش مردان کارهایی انجام می دهند که خواننده یا شنونده را به اعجاب و ا می دارد. گاهی نقش آنان در عیاری از مردان پررنگ تر است. آنجا که زنی به خاطر راستی و عدالت، پدر و برادرش را می کشد، شاید در اذهان و در دید دیگران کاری مذموم و ناپسند به نظر آید ولی چون این عمل برای نجات کسی است که تمام وجودش را جوانمردی فراگرفته است اوج ایثار و اخلاص را با این کار به نمایش می گذارد؛ یا آنجا که زنان باعفت پاک دامن در میدان های جنگ حاضر می شوند و حتی در نبردها و پهلوانی ها برتر از مردان قرار می گیرند، می توان دانست که در مرام عیاران و در مکتب جوانمردان زن هیچ تفاوتی با مرد ندارد.

علاوه بر این در کشاکش حوادث، خواننده با مطالب مهم دیگری نیز آشنا می شود که در دوران معاصر یا کاملاً از بین رفته و یا نقششان در زندگی مردم و در اجتماع کم رنگ تر شده است. از قبیل: تربیت شاهزادگان و آموختن شکار، سوار کاری، تیراندازی و فنون نظامی به آنان، شیوه های مختلف خبر گیری پادشاهان و حکام ولایات از مسائل روزمره، تشریفات و جزئیات مراسم عروسی شامل خواستگاری کردن، دادن شیربها، ماندن دایه عروس بر در حجله و گلاب ریختن در گلوی عروس و داماد پس از پیوستن به هم دیگر، استخدام منجمان و بررسی طالع فرزندان، برخورد پادشاهان با زیردستان، طریقه ساختن داروها، چگونگی عزاداری و سوگواری کردن پادشاهان و طول مدت تعزیت و...

همچنین مطالب سودمندی درباره جنگ ها و آرایش نظامی، فنون و نیرنگ های جنگی و شیوه های شیبخون زدن و ...

کتاب به شیوه ای تألیف شده است که خواننده نه تنها از خواندن آن احساس ملال نمی کند بلکه در تلاش است جریان حوادث را دنبال کند و پایان قصه را بداند.

اگر بخواهیم در مورد سبک کتاب مطلبی بنویسیم، به این نکته باید اکتفا کرد که «بر روی هم نثر سمک عیار نرم و خوش آهنگ و در عین سادگی، شیوا و پر تأثیر است [است]».^۱

چند تن از محققان و نویسندگان در مورد این داستان کهن تحقیقاتی انجام داده اند، از جمله: دکتر محمد جعفر محجوب، دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر پرویز ناتل خانلری. از این میان دکتر خانلری بیشترین کار را در مورد سمک عیار انجام داده و آن را تصحیح کرده است. دکتر خانلری با تصحیح نیکوی خود بسیاری از مشکلات و اغلاط کتاب را برطرف کرده و راه تحقیق را برای محققان و جاده‌ی داستان خوانی را برای خوانندگان هموار کرده است؛ ایشان با جمع آوری این کتاب ظاهراً نخستین کسی است که سمک عیار را به صورت کلی و عمومی به مردم معرفی نموده است.

دکتر غلامحسین یوسفی نیز در کتاب دیداری با اهل قلم، که بررسی بیست کتاب نثر فارسی است، بخش مفصلی را به کتاب سمک عیار اختصاص داده اند. در این تحقیق که با عنوان «در آرزوی جوان مردی» نگارش یافته است، محقق، با ریزینی خاص خود نکاتی سودمند و جامع در مورد عیاران و شیوه عیاری، اوضاع اجتماعی و معرفی نویسنده بیان کرده است. حتی در حوزه نقد داستان

۱- غلامحسین یوسفی «دیداری با اهل قلم» انتشارات علمی، چاپ ششم، ۱۳۷۶، جلد ۱، صفحه ۲۴۵.